

## سیاست خارجی دولت اسلام‌گرای ترکیه

همزمان با تغییر شرایط بین‌المللی پس از جنگ سرد و در پاسخ به نیازهای جدید منطقه‌ای و بین‌المللی، سیاست خارجی ترکیه نیز دچار تحول و دگرگونی شده و رویکرد نوینی را به ویژه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در پیش گرفته است. آنکارا تمام تلاش خود را به کار بسته تا با ورود به عرصه‌های تعامل و همگرایی با نظام بین‌المللی، حوزه نفوذ سیاسی و اقتصادی را بر پایه منافع خود در دو محور عمده گسترش دهد: نخست اینکه آن کشور می‌خواهد با الحاق به اتحادیه اروپایی ثابت کند که به لحاظ تاریخی، راهبردی و اقتصادی به اروپا تعلق دارد. دوم اینکه تلاش نماید با بهره‌گیری از موقعیت راهبردی خود در اروپا و قفقاز و آسیا و با ایجاد ساختارهایی مدرن و توسعه‌یافته از یکطرف و ابتکار میانجیگری در منازعات بین کشورهای همسایه در چالش‌های مهم منطقه‌ای ازطرف دیگر، ایفای نقش نماید. این نوشتار موضوع سیاست خارجی دولت اسلام‌گرای ترکیه را در نگاهی کوتاه مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد.

### راهبرد (دکترین) سیاست خارجی ترکیه

چکیده و عصاره دکترین راهبردمحور این است که ارزش یک کشور در روابط بین‌الملل، از موقعیت جغرافیایی آن کشور متأثر می‌باشد. ترکیه، هم به دلیل موقعیت خاص خود و هم به دلیل داشتن تنگه بسفر، نقش ژئوپلیتیک مهمی را ایفا می‌کند. به علاوه، اهمیت گذشته ترکیه عثمانی و مناسبات فرهنگی و تاریخی آن در بالکان، خاورمیانه و آسیای مرکزی بر عمق استراتژیک ترکیه می‌افزاید. این ارتباطات سرمایه مهمی هستند که ترکیه را قادر می‌سازند به عنوان یک قدرت منطقه‌ای ظهور نماید. نگاه راهبردی همچنین ایجاب می‌کند که ترکیه برای بدست آوردن آزادی عمل بیشتر و افزایش

قدرت نفوذ منطقه‌ای و جهانی، با ایجاد اتحادیه‌های سیاسی-امنیتی موازی، مناسبات خود با غرب را تنظیم نماید.

آقای داود اوغلو تفکرات خود را در سال ۲۰۰۱ در کتابی با عنوان "عمق استراتژیک" منتشر کرد. منتقدین نظریات او، دیدگاه‌های وی را حاصل تراوشات فکری یک روشنفکر دانشگاهی با پیشینه‌های اسلامی ارزیابی می‌کنند. درهرحال، ارتقای جایگاه داود اوغلو به سمت رئیس مشاوران سیاست خارجی اردوغان، این فرصت را برای وی فراهم نمود تا به طور مستقیم در سطح بالاتری بر سیاست خارجی ترکیه تأثیرگذار باشد. با وجود اینکه نباید در باره نقش و نفوذ یک فرد مبالغه شود، واقعیت این

است که بسیاری از افکار داود اوغلو در سیاست خارجی کنونی ترکیه به کار گرفته می‌شود. کارشناسان امورسیاسی ترکیه دریافته‌اند توصیه داود اوغلو مبنی بر بهره‌گیری ترکیه از میراث و تاریخ عثمانی به ویژه در خاورمیانه طرفداران زیادی در میان اعضای حزب عدالت و توسعه پیدا کرده است.

دکترین عمق استراتژیک در سال‌های اخیر بسیاری از محافل سیاسی و تصمیم‌ساز ترکیه را وادار به بازنگری در نظریات خود نموده است. اگرچه کمالیست‌ها، سلطه چند قرن امپراطوری عثمانی را مایه شرمساری و بدنامی ترکیه می‌دانند و از آن دوران به دوره تاریک و جمود فکری یاد می‌کنند، ولی خیلی از ترک‌ها اخیراً با نگاه متفاوتی به سال‌های حکومت عثمانی می‌نگرند و ارزیابی‌های مثبتی از آن ارائه می‌دهند. در حقیقت، داود اوغلو معتقد است میراث عثمانی به عنوان یک ساختار گرانبها، ترکیه را قادر به ایفای نقش فعال‌تر منطقه‌ای و جهانی می‌نماید.

### روابط با غرب

برخلاف حزب رستگاری ملی (MSP) و حزب رفاه که از مناسبات با غرب پرهیز کرده و دستور کار ضدغربی را در پیش گرفته بودند، حزب عدالت و توسعه رویکرد گرایش به غرب را حفظ و خواستار برقراری ارتباط مستحکم با کشورهای غربی گردید و عضویت در اتحادیه اروپایی را رکن اساسی سیاست خارجی خویش قرار داد.

حزب عدالت و توسعه، در سیاست خارجی خود، مناسبات نزدیک با اروپا، به ویژه عضویت در اتحادیه اروپایی را به عنوان یک رکن اصلی تعقیب می‌کند. در کنفرانس سران اتحادیه اروپایی در دسامبر ۲۰۰۴ در بروکسل، با آغاز مذاکرات الحاق ترکیه موافقت شد. متعاقب آن مذاکرات ترکیه با اتحادیه اروپایی در دسامبر ۲۰۰۵ به طور رسمی شروع شد. اگرچه تاکنون،

روابط با اتحادیه اروپایی براساس تمایل ترکیه پیشرفت نکرده و عوامل سرد قابل ملاحظه‌ای بر مناسبات دو طرف سایه افکنده است. عامل نخست، کندی ترکیه در روند اصلاحات داخلی است. درحالی که دولت اردوغان در ابتدای پیروزی حزبش در سال ۲۰۰۲ اولویت بالایی به اصلاحات داده بود، با این وجود، روند کند اصلاحات، به تعبیر غربی‌ها، روند مذاکرات الحاق را کند ساخته است. از طرف دیگر، واکنش‌ها و رفتار برخی محافل اروپایی نسبت به مسائل داخلی ترکیه، شیفتگی اولیه نسبت به اتحادیه اروپایی در بخش‌هایی از حزب عدالت و توسعه را به شدت با چالش روبه‌رو نمود. تصمیم دادگاه حقوق بشر اروپایی (ECHR) در ژوئن ۲۰۰۴ مبنی بر عدم حمایت از حق دولت در موضوع حجاب، شوک بزرگی بر اکثر اعضای حزب عدالت و توسعه وارد نمود و این سؤال را برای آنها مطرح کرد که منافع اکثریت مردم ترکیه چگونه زیر چتر حمایتی سیاست عمومی اتحادیه اروپایی قرار خواهد گرفت؟ احزاب مخالف دولت اردوغان و گروه‌های ملی‌گرای تأثیرگذار در سیاست خارجی ترکیه نیز دولت را به خاطر ماماشات با اتحادیه اروپا زیر سؤال بردند.

عامل دوم، کاهش چشمگیر تمایل و گرایش عمومی اروپا به توسعه و گسترش اتحادیه، به ویژه پذیرش ترکیه، پس از همه‌پرسی فرانسه و هلند در ماه‌های مه و ژوئن ۲۰۰۵ است. در حالی که کمیسیون اتحادیه اروپایی از ادامه مذاکرات الحاق با آنکارا حمایت می‌کرد، اکثر مردم فرانسه و آلمان صراحتاً با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپایی مخالفت نمودند. بر این اساس، این تصور قوت گرفته که حتی در صورت انجام اصلاحات موردنظر اتحادیه اروپا از سوی آنکارا، مخالفت برخی از کشورهای اروپایی با عضویت ترکیه همچنان ادامه خواهد داشت و اکنون این باور بر کسی پوشیده نیست که معیارها

و استانداردهای اروپایی صرفاً بهانه بوده و به نظر می‌رسد دلیل اصلی مخالفت‌ها پیشینه‌های مذهبی و فرهنگی ترکیه است.

در دوره جنگ سرد، برخی از رهبران اروپای غربی آشکارا بر این باور بودند که ترکیه نباید به باشگاه مسیحیان راه یابد و اینک هم این احساس وجود دارد که ترکیه به لحاظ فرهنگی به اروپا تعلق ندارد. آنها از این بیم دارند که در صورت عضویت ترکیه، امواج گسترده مهاجران مسلمان آرامش و امنیت اجتماعی در کشورهای اروپایی را برهم زنند.

از سوی ترکیه نیز، به‌رغم برخی علائم حاکی از استقبال از عضویت آن کشور در اتحادیه اروپایی، نگاه منفی اروپا به عضویت ترکیه، با افزایش نارضایتی مردم ترکیه از اتحادیه اروپایی همسویی می‌کند و روند حمایت مردم در چند سال اخیر کاهش چشمگیری داشته است تا جایی که حمایت ۷۳ درصدی مردم ترکیه از عضویت در اتحادیه اروپا به ۵۴ درصد در سال ۲۰۰۶ و ۴۰ درصد در سال ۲۰۰۷ تنزل یافت. این کاهش بیانگر تغییر افکار عمومی ترکیه نسبت به اتحادیه اروپا در چند سال گذشته است.

با وجود این مشکلات، دولت اردوغان به عضویت در اتحادیه اروپایی متعهد مانده است. وی در آستانه انتخابات ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷، قول داد که تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا را مضاعف سازد. با این وجود، تلاش برای الحاق، به دلایلی چند، به آسانی انجام نخواهد پذیرفت.

انتخاب نیکولا سارکوزی به عنوان رئیس جمهور فرانسه مانع جدیدی بر سر راه عضویت آنکارا در اتحادیه اروپا ایجاد نمود. سارکوزی برخلاف ژاک شیراک، رئیس جمهور پیشین فرانسه، که از الحاق ترکیه جانبداری

می‌کرد، آشکارا با عضویت ترکیه مخالفت کرد. او در عوض ایفای نقش فعال ترکیه در "اتحادیه مدیترانه‌ای" شامل فرانسه، ایتالیا، یونان، پرتغال، اسپانیا، مالت و قبرس را خواستار شد. پیشنهادی که با استقبال سرد ترک‌ها روبرو گردید.

اولویت‌های آقای اردوغان در مسائل داخلی، همچون تغییرات در قانون اساسی مصوب سال ۱۹۸۲، زمان حاکمیت نظامیان، اگرچه با استانداردها و معیارهای اتحادیه اروپایی هماهنگ نباشد، موجب تعویق برخی اصلاحات مورد نظر اتحادیه اروپایی، نظیر الغای ماده ۳۰۱ قانون کیفری ترکیه گردید. زیرا مستلزم مشخص شدن چارچوب اصلی قانون اساسی می‌باشند.

موضوع کردها، به ویژه عملیات نیروهای حزب کارگران ترکیه (PKK)، یعنی خروج از مخفیگاه‌هایشان در شمال عراق و عبور از مرز، نیز می‌تواند موضوع عضویت ترکیه در اتحادیه اروپایی را بغرنج‌تر سازد. در حالی که آقای اردوغان در سفر خود به واشنگتن در اوایل نوامبر ۲۰۰۷ حمایت آمریکا را برای سرکوب چریک‌های حزب کارگران کردستان بدست آورد و این تصور قوت گرفت که آنکارا راه آسانی را در پاکسازی مرزهایش از عوامل PKK در پیش‌رو خواهد داشت، تشدید عملیات اخیر آنها که منجر به کشته شدن ۱۷ نظامی ترکیه در پاسگاه مرزی "اک‌توتون" گردید، بار دیگر چالش‌های اجتماعی - سیاسی فزاینده‌ای را فراروی دولت اردوغان قرار داد. اکنون این گونه استنباط می‌شود که تداوم تهدیدهای PKK می‌تواند توجه دولت اردوغان را از برنامه داخلی اصلاحات منحرف کرده و با تشدید اقدامات و سیاست‌های انقباضی در قبال کردها بار دیگر بر مشکلات و تنگناهای موجود بین آنکارا و اتحادیه اروپایی بیافزاید.

کنترل ارتش توسط یک نهاد غیرنظامی، مانع دیگر است. با اینکه اصلاحات دموکراتیک دهه اخیر به ویژه آن بخش از اصلاحات که از سوی دولت اردوغان به اجرا درآمده‌اند، قدرت نظامیان را برای دخالت در عرصه سیاسی کاهش داده است، ولی اتحادیه اروپایی صراحتاً به ترکیه تفهیم نموده که یکی از معیارهای اساسی برای عضویت، ضرورت کنترل ارتش توسط یک نهاد غیرنظامی است. به هر طریق ارتش ترکیه به بهانه احساس خطر از تهدیدهای داخلی و خارجی برای کیان جمهوریت، خود را ضامن و مرجع نهایی نگرهبانی از سکولاریسم دانسته و در برابر تلاش برای کاهش نقش سیاسی ارتش می‌ایستد.

بالاخره مسأله قبرس به عنوان مانع بالقوه‌ای برای عضویت ترکیه همچنان باقی است. هر چند که حل موضوع قبرس بخشی از معیار کپنهاگ برای عضویت ترکیه به شمار نمی‌رود اما بسیاری از اعضای اتحادیه اروپایی از پذیرش ترکیه تا زمانی که این مسأله حل نشود، پرهیز می‌کنند. آقای عنان دبیرکل سابق سازمان ملل متحد در ماه مه ۲۰۰۴ طرحی را ارائه داد که براساس آن قبرس با دو جامعه ترک‌تبار و یونانی‌تبار در قالب یک دولت فدرالی اداره شود ولی اکثر قبرسی‌های یونانی‌تبار به طرح عنان رأی منفی دادند و در نتیجه مذاکرات ترکیه با اتحادیه اروپایی نتیجه مثبتی نداشت.

به هر طریق پیروزی آقای "دیمیتریس کریستوفیاس"، رهبر حزب کمونیست در انتخابات ریاست جمهوری قبرس در فوریه ۲۰۰۸، با استقبال جامعه قبرسی‌های ترک‌تبار روبرو شد و امیدهای عمومی برای تحرک جدید به سمت حل و فصل معضل قبرس را دگر بار زنده ساخت. از این رو مشکل قبرس تنها یک مانع اساسی بر سر راه عضویت ترکیه در اتحادیه اروپایی نیست، بلکه حل آن انگیزه جدیدی برای بهبود و توسعه

روابط ترکیه و یونان نیز ایجاد می‌کند. به اضافه، این فرایند موانع همکاری نزدیک‌تر ناتو و اتحادیه اروپایی را نیز برطرف می‌سازد.

### روابط با یونان

روابط با یونان از افق‌های پرابهام در چشم‌انداز تصویر اروپایی ترکیه می‌باشد. دولت اردوغان سیاست تنش‌زدایی با یونان را که از ۱۹۹۹ آغاز گردید، ادامه داده و در حال حاضر می‌توان ادعا نمود که مناسبات جاری یونان و ترکیه بهتر از هر زمان دیگری است. مبادلات تجاری و گردشگری بین دو کشور افزایش یافته و همکاری در زمینه انرژی با افتتاح خط لوله گاز ۳۰۰ میلیون دلاری که میادین غنی گاز قفقاز را به اروپا وصل می‌کند، تقویت شده است.

همکاری‌های رو به گسترش ترکیه و یونان در زمینه انرژی، موجب پویایی مناسبات در سطوح مختلف و عاملی برای کاستن از حساسیت‌های قبلی بر سر قبرس گردیده است. خطر درگیری نظامی ترکیه با یونان به طرز چشمگیری فروکش نموده و موضع دو کشور درباره قبرس دیگر همچون گذشته روابط دو کشور را متأثر نمی‌سازد.

### روابط با ایالات متحده آمریکا

روابط ترکیه با ایالات متحده آمریکا از افت و خیزهای فراوانی برخوردار بوده‌است. بسیاری از مشکلات کنونی در روابط ترکیه - آمریکا ریشه در جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس دارد. آن گونه که "ایان لسر" متذکر می‌شود، جنگ خلیج فارس برای خیلی از ترک‌ها آغازگر مشکلات اخیر میان ترکیه و آمریکا است. ترک‌ها معتقدند پس از جنگ خلیج فارس، آمریکا با ایجاد منطقه ممنوعه پروازی در شمال عراق سنگ بنای تشکیل دولت کردی و هویت سازی بین‌المللی برای کردها را بنا نهاد و از آن موقع بود

که نگرانی‌های ترکیه بیشتر شد و متوجه گردید که یک کشور مستقل کردی در حال ظهور و بروز است. تهاجم به عراق به رهبری امریکا نه تنها از سوی مردم، بلکه از طرف رهبران سیاسی و نظامی ترکیه نیز حمایت نشد. ترک‌ها از آن بیم داشتند که در نتیجه این تحول، دامنه قیام مردم کردتبار در مناطق جنوبی، به ترکیه رسیده و بی‌ثباتی در ترکیه را سبب گردد. اکنون، با گذشت حدود دو دهه از آن حادثه، ترک‌ها مشاهده می‌کنند که نگرانی آنها بی‌مورد نبوده و کابوسی که انتظار آن را داشتند به واقعیت پیوسته‌است. عراق با آشوب‌های در حال رشد فرقه‌ای متلاشی شده و دولت اقلیم کردستان عراق مسیر تبدیل شدن به یک کشور مستقل کردی را طی می‌کند. روندی که بی‌تردید احساسات جدایی‌طلبانه در میان کردهای ترکیه را تقویت خواهد نمود.

ناراضیاتی اولیه امریکا از اقدام نظامی علیه PKK موجب بروز ناخرسندی‌های جدی در روابط با ترکیه شد و رشد فزاینده احساسات ضدآمریکایی در ترکیه از سال ۲۰۰۴ به بعد را سبب گردید. جالب است ذکر شود که ترک‌ها در میان کشورهای جنوب اروپا، کمتر از همه با سیاست‌های بین‌المللی بوش توافق دارند. نظرسنجی‌های صورت گرفته در سال‌های اخیر این واقعیت را نشان داده‌است.

به‌رغم سوء تفاهمات زیاد، با دیدار آقای اردوغان از واشنگتن در نوامبر ۲۰۰۷، روابط دو کشور رو به بهبودی گذاشت. بوش در ملاقات با اردوغان با کمک‌های اطلاعاتی و تجسسی به آنکارا که ارتش ترکیه نیاز فراوانی به آن داشت، موافقت نمود، ولی همان موقع این تحلیل مطرح گردید که رئیس‌جمهور امریکا در قبال اعطای کمک‌های اطلاعاتی به ترکیه از آنکارا خواسته است که در عملیات برون مرزی علیه اردوگاه‌های PKK فقط به

اقدامات محدود بسنده کند و از لشکرکشی به عمق خاک کردستان عراق خودداری نماید. بر پایه این توافق است که ترکیه در مقایسه با تهاجم اولیه در ۱۹۹۰ به عراق از ورود گسترده نظامی به شمال عراق پرهیز می‌کند و در یک سال اخیر با تکیه بر اطلاعات دریافتی از ارتش امریکا به بمباران و حملات توپخانه‌ای مواضع PKK بسنده می‌نماید.

هرچند روابط امریکا و ترکیه در قالب ناتو و همکاری‌های راهبردی دو کشور تعریف و تبیین می‌شود اما به سبب حساسیت شدید ترک‌ها به مسأله کردها مناسبات با امریکا نیز با نوع نگاه واشنگتن به تحولات منطقه و شمال عراق افت و خیز پیدا می‌کند. از این رو موضوع PKK در ارزش‌گذاری مشارکت امنیتی بین امریکا و ترکیه یک آزمون حیاتی محسوب می‌شود. اگر امریکا در کاهش تهدید PKK صداقت خود را به دولتمردان و افکار عمومی ترکیه ثابت نماید، بی‌تردید روابط آنکارا - واشنگتن شاهد جهشی مثبت خواهد بود ولی چنانچه مشخص شود که همکاری‌های امریکا در مبارزه علیه PKK موقتی است، احساسات ضدآمریکایی میان مردم ترکیه تقویت شده و مناسبات کنونی آسیب خواهد دید.

موضوع نسل‌کشی ارمنه نیز منشأ اختلاف بین امریکا و واشنگتن به شمار می‌رود. ارمنه و حامیان آنها در ایالات متحده هر از چند گاهی در صدد گذراندن قطعنامه‌ای در کنگره برای معرفی تراژدی نسل‌کشی ارمنه توسط ترک‌ها در سال‌های ۱۹۱۵-۱۹۱۶ برمی‌آیند. آخرین بار در پائیز ۲۰۰۷ لابی طرفدار ارمنه در کنگره تلاش زیادی را برای تصویب چنین قطعنامه‌ای بعمل آورد اما جورج بوش، رئیس‌جمهور امریکا با جلوگیری از تصویب آن از بروز یک بحران جدی در روابط دو کشور

ممانعت نمود. به هر طریق موضوع نسل‌کشی ارمنه مسأله‌ای مرده نیست و مانند تیغی دو لبه می‌تواند منبعی بالقوه برای سازگاری یا فشار به ترکیه از سوی سیاستمداران امریکایی به کار گرفته شود.

### روابط با روسیه

روابط آنکارا - مسکو در دوره جنگ سرد در قالب بلوک بندی‌های سیاسی بین‌المللی تعریف می‌شد و در سطح منطقه‌ای به دلیل تلاش مسکو برای توسعه نفوذ در خاورمیانه و مدیترانه و همچنین حمایت از PKK خوب و مثبت نبود. به هر حال پس از جنگ سرد، مناسبات ترکیه با روسیه به ویژه در حوزه اقتصادی به طور چشمگیری بهبود یافت، به گونه‌ای که در حال حاضر روسیه دومین شریک تجاری و بزرگترین منبع تأمین کننده گاز ترکیه به شمار می‌رود.

در زمینه انرژی، ترکیه وابستگی فراوانی به روسیه دارد؛ ۶۵ درصد گاز طبیعی و ۲۰ درصد نفت مورد نیاز ترکیه از روسیه وارد می‌شود. گر چه با ادامه روند کنونی، مقامات ترکیه پیش‌بینی کرده‌اند که سهم واردات گاز از روسیه می‌تواند به ۸۰ درصد نیز برسد. تجارت جهانگردی و توریستی بین دو کشور نیز سود سرشاری را نصیب بازار ترکیه می‌کند. سرمایه‌گذاری روسیه در ترکیه به ویژه در زمینه انرژی، جهانگردی و بخش‌های ارتباطات به طرز چشمگیری در سال‌های اخیر رشد یافته است.

بهبود مناسبات با مسکو درست قبل از اینکه حزب عدالت و توسعه به قدرت برسد آغاز شد، ولی در دوره دولت اردوغان سرعت گرفت. در دسامبر ۲۰۰۴، ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور وقت روسیه اولین رئیس‌کشور روسیه بود که بعد از ۳۲ سال از ترکیه دیدار نمود. در سفر آقای پوتین به ترکیه بیانیه مشترک "تعمیق دوستی و مشارکت ترکیبی" دو کشور انتشار یافت که در آن سرفصل‌های

گسترده‌ای از منافع مشترک و اعتماد متقابل بین دو کشور را شامل می‌شود. از آن زمان به بعد همکاری‌های سطح بالای نظامی و سیاسی بین آنکارا و مسکو افزایش یافت.

با وجود همکاری‌های رو به گسترش روسیه و ترکیه در سال‌های اخیر، هر دو کشور در پی تقویت جایگاه منطقه‌ای خود هستند، چرا که هر دو برای نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز، منطقه‌ای که روس‌ها با موقعیت مناسب، برتری طلبی جدیدی را در سر می‌پرورانند و ترکیه نیز در هر دو منطقه جای پا دارد، رقابت می‌کنند. گذشته از این، اتحاد راهبردی با روسیه این الزام را برای ترکیه در پی خواهد داشت که مناسبات خود را با اتحادیه اروپایی کم رنگ نماید. در حالی که ترکیه بخش عمده تجارت خارجی خود را با دو طرف عمده غربی یعنی اتحادیه اروپایی و آمریکا انجام می‌دهد و آمریکا همچنان مهم‌ترین متحد و شریک امنیتی آن کشور باقی مانده است.

### روابط با خاورمیانه

سیاست ترکیه در قبال خاورمیانه، در دوره اقتدار حزب عدالت و توسعه، شاهد پویایی جدیدی بوده است.

### روابط با خاورمیانه

حزب عدالت و توسعه به دنبال تعمیق و توسعه مناسبات خود با مناطق دیگر، به ویژه خاورمیانه، آسیای مرکزی، قفقاز و بالکان می‌باشد. روند گسترش چنین روابطی قبل از اینکه حزب عدالت و توسعه به قدرت برسد آغاز شده بود. برای مثال، تورگوت اوزال، برای برقراری مناسبات نزدیک‌تر با آسیای مرکزی تلاش متوازی نمود. با این وجود، در دوره حزب عدالت و توسعه انگیزه تلاش برای توسعه روابط با مناطق برخوردار از علقه‌های فرهنگی و تاریخی قوی‌تر با ترکیه، بیشتر شد.

بعد از دهه‌ها سیاست منفعلانه در قبال خاورمیانه، ترکیه به عنوان بازیگری فعال در منطقه ظهور نمود. روابط تیره دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ با ایران و سوریه را بهبود بخشید و در ارتباط با منازعه عربی-اسرائیلی با جانبداری بیشتر از فلسطین به روابط سستی خود با تل‌آویو لطمه وارد کرد.

رویکرد ترکیه نسبت به خاورمیانه بیانگر حرکتی نوین در سیاست خارجی آنکارا است که جز دوره‌ای کوتاه در دهه ۱۹۵۰، همواره از دخالت عمیق در امور خاورمیانه پرهیز داشته است. به هر حال، از جنگ اول خلیج فارس (۹۱-۱۹۹۰) به بعد، آنکارا به طور فزاینده به بحران‌های خاورمیانه کشیده شده است. برای مثال، بعد از جنگ اول خلیج فارس و در پی عملیات‌های آمریکا برای کنترل منطقه ممنوعه پروازی در شمال عراق، مجبور گردید از صدها هزار کرد پناهنده عراقی پذیرایی نماید.

البته تمرکز زیاد ترکیه بر امور خاورمیانه به این معنی نیست که آن کشور از متحدان غربی خود روی گردانده است. ترکیه از جایگاه مهمی در نهادهای غربی به ویژه ناتو برخوردار است و با وجود تقویت اسلام‌گرایی در سال‌های اخیر، غربی‌ها پذیرفته‌اند که از پایان جنگ سرد به بعد یک سری تغییرات ساختاری در محیط امنیتی ترکیه به وقوع پیوسته است. بی‌تردید ترکیه امروز با چالش‌ها و تهدیدهای امنیتی متضاد بیشتری روبرو است که عمدتاً در محدوده جنوبی آن کشور واقع شده است. شاید این مسأله نیز در وادار نمودن آنکارا به دخالت بیشتر در تحولات خاورمیانه کمک کرده است.

نقطه بارز تحول در سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه را می‌توان در مناسبات آنکارا با تهران و دمشق ارزیابی نمود. امریکا به عنوان متحد راهبردی ترکیه در جستجوی انزوای ایران و سوریه بوده در حالی که ترکیه در دوره

اقتدار حزب عدالت و توسعه بتدریج روابط با هر دو کشور را تقویت نموده است. تاکنون این باور سیاسی بیشتر شایع و ملموس بوده است که هر سه کشور مخالف پیدایش یک کشور مستقل کردی در همسایگی خود می‌باشند و شاید موضوع کردها یکی از عوامل مهم در توسعه مناسبات ترکیه با ایران و سوریه باشد، ولی باید پذیرفت که این کشورها به اعتبار هم‌جواری و قرار گرفتن در منطقه مهم خاورمیانه منافع مشابه زیادی دارند که می‌تواند بهترین مشوق برای تعامل و همگرایی میان سه کشور تلقی گردد.

علاوه بر همسایگی و وجود اشتراکات فراوان برای پیوند ترکیه با ایران، از سال ۱۹۹۶ در زمان دولت اربکان انرژی هم‌زمینه‌ساز مهمی در توسعه روابط دو کشور بوده است. هر چند که در دوره اردوغان همکاری‌ها در زمینه انرژی تقویت یافته است. ایران و ترکیه در ژوئیه ۲۰۰۷ یادداشت تفاهمی امضا کردند که براساس آن قرار شده‌است سالیانه ۳۰ میلیارد متر مکعب گاز ایران و ترکمنستان از طریق ترکیه به اروپا صادر شود. برای این هدف دو طرف توافق نموده‌اند که دو خط لوله مجزا برای انتقال گاز طبیعی ایران و ترکمنستان به اروپا احداث شود همچنین شرکت دولتی نفت ترکیه در سه حوزه گازی پارس جنوبی (فازهای ۲۲، ۲۳ و ۲۴) که تخمین زده می‌شود ظرفیت قابل احصای ۱۴ تریلیون مترمکعبی داشته باشند، سرمایه‌گذاری بنماید.

آمریکا مخالف همکاری‌های ایران و ترکیه در زمینه انرژی بوده و از قرارداد گازی میان دو طرف به شدت انتقاد کرد. واشنگتن با سرمایه‌گذاری کشورهای ثالث در ایران مخالف است و مسیرهایی که گاز ترکمنستان را غیر از ایران طی کند، ترجیح می‌دهد. با این وجود به نظر می‌رسد دولت اردوغان به اجرای قرارداد مصمم است و

می‌خواهد در آینده نزدیک آن را نهایی نماید. ترکیه بر این باور است که نباید به یک منبع وابسته باشد و لذا استراتژی متعدد کردن مسیرهای تأمین انرژی را برای اجتناب از وابستگی عمیق به یک تأمین‌کننده را برگزیده است. هدف اصلی دولت اردوغان استفاده از گاز وارداتی برای مصرف داخلی و همچنین صادرات آن به اروپا می‌باشد.

در ارتباط با موضوع هسته‌ای می‌توان گفت که منافع ژئوپلیتیک ترکیه شدیداً در تقابل با توانمندی هسته‌ای ایران قرار دارد. هر چند که دولت اردوغان بر حق مسلم ایران برای استفاده از فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز تأکید می‌کند، ولی مقامات آنکارا در اظهار نظرهای رسمی و کنفرانس‌های مطبوعاتی مشترک با هم‌تایای غربی خود به طور ضمنی نگرانی‌های خود از پیشرفت‌های هسته‌ای ایران را مطرح می‌کنند. برخی از جریان‌های سکولار نیز همانند محافل غربی با ابراز این نکته که در صورت دستیابی ایران به سلاح‌های اتمی توازن نظامی منطقه بر هم می‌خورد، از اقدامات متقابل ترکیه برای حفاظت از امنیتش سخن می‌گویند.

روابط ترکیه با سوریه نیز مانند ایران شاهد پیشرفت چشمگیری بوده است. البته توسعه مناسبات با دمشق نیز قبل از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه آغاز گردید ولی در دوره اردوغان تقویت بیشتری پیدا کرد. پیشتر گفته شد که نگرانی‌های مشترک از تهدید ملی‌گرایی کردی یکی از محورهای عمده نزدیکی دو کشور می‌باشد. سوریه نیز مثل ترکیه با اقلیت کرد خود با مشکل مواجه است و حزب بعث حاکم بر آن کشور هم نسبت به ظهور یک دولت کرد در شمال عراق با ترکیه هم‌عقیده است.

روابط ترکیه و اسرائیل هم در دوره حزب عدالت و توسعه دستخوش تغییراتی شده است. با اینکه ارتباطات

سنتی بدنه لائیک و ارتش ترکیه با اسرائیل دست نخورده باقی مانده ولی دولت اردوغان برخلاف دولت‌های قبلی سیاست جانبدارانه‌تری نسبت به فلسطینی‌ها در پیش گرفته است. اردوغان آشکارا از سیاست تل‌آویو در کرانه باختری و غزه انتقاد کرده و رفتار اسرائیل با فلسطینی‌ها را "ترور دولتی" توصیف نموده است. نخست وزیر ترکیه همچنین از هجوم اسرائیل به لبنان که در جریان جنگ با حزب‌الله صورت گرفت شدیداً انتقاد کرد. از سوی دیگر دولت اردوغان به برقراری روابط نزدیک‌تر با حماس اقدام کرد. چند هفته پس از انتخابات در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، خالد مشعل در رأس یک هیأت فلسطینی با سفر به آنکارا با مقامات بلند پایه ترکیه دیدار و گفتگو نمود. عصبانیت واشنگتن و تل‌آویو از دیدار خالد مشعل بیانگر این واقعیت بود که سفر وی به ترکیه بدون مشورت با آمریکا و اسرائیل که خواهان منزوی ساختن حماس بودند، انجام پذیرفته است.

همان‌گونه که پیشتر گفته شد درست است که اردوغان در مقایسه با اسلاف خود صراحتاً به دوستی با فلسطینی‌ها تمایل نشان داده و از طرفی از برخی سیاست‌های اسرائیل انتقاد می‌نماید ولی این بدان معنی نیست که بر ارکان روابط آنکارا - تل‌آویو اثر گذاشته باشد، چرا که ارزیابی روند کلی مناسبات دو کشور حاکی از تداوم تدریجی همکاری‌های مشترک آنها می‌باشد. از این رو مشاهده می‌کنیم که در حقیقت تغییر سیاست عمدتاً در لحن و روش نمود داشته است، زیرا همکاری در حوزه‌های دفاعی و اطلاعاتی که به وسیله ارتش ترکیه هدایت می‌شود بیش از گذشته شده و کمتر تحت تأثیر انتقادهای تند افکار عمومی آن کشور قرار گرفته است.

ترکیه در جستجوی بهبود مناسبات با کشورهای کلیدی و مهم عرب، نظیر عربستان سعودی و مصر هم

ظرفیت بالای آنها در خاورمیانه و کشورهای اسلامی است، چرا که از یک طرف می‌تواند برای تنظیم روابط با عراق و ایران و از طرفی مشارکت فعال‌تر در مسائل خاورمیانه از نفوذ آنها استفاده نماید.

*حسین قاسمی*

*اداره سوم کشورهای مشترک‌المنافع*

*و همسایگان شمال غربی*

بوده است. سفر امیر عبدالله پادشاه عربستان به ترکیه در اوت ۲۰۰۶ به عنوان نخستین سفر پادشاه عربستان سعودی در تاریخ روابط دو کشور در طول ۴۰ سال اخیر، نمادی از بهبود روابط دو کشور است.

به زعم کارشناسان سیاسی، هدف عمده آنکارا از تحکیم روابط با مصر و عربستان سعودی بهره‌گیری از